



ایران تماشاگر نیست

نگاهی به راهبرد کشور در مرحله جدید نبرد

سرمقاله

به تهاجم نظامی وادار به تسلیم کند، نیازی به بازگشت گسترده به فشار اقتصادی و تلاش برای بستن مسیرهای تجارت ایران نداشت. وقتی ابزار نظامی نتواند نتیجه مطلوب را تحمیل کند، طبیعی است که فشار اقتصادی دوباره به صحنه بازگردد.

از همین زاویه، نباید محاصره دریایی را صرفاً یک تهدید اقتصادی دید. این سیاست، ادامه جنگ و بخشی از تلاش بزرگ‌تری برای فرسایش توان ایران و وادار کردن کشور به عقب‌نشینی است. پاسخ ایران هم نمی‌تواند صرفاً دفاعی و منفعلانه باشد. تهران باید نشان دهد که فشار علیه اقتصاد ایران، هزینه‌هایی برای طراحان و همراهان آن هم ایجاد خواهد کرد.

ایران در جنگ سوم با رویکرد نبرد نامتقارن، دشمن را ناکام گذاشت و ناظران و تحلیلگران را به شگفتی واداشت. در مرحله جدید جنگ که میدان اقتصادی در پشانی آن است نیز، راهبرد ایران می‌تواند و باید نامتقارن باشد. البته که این جنگ تک بعدی نبوده و ابعاد مهم دیگری همچون رسانه‌ای و شناختی نیز دارد که بسیار مهم هستند و نباید از نظر دور بمانند. دشمن باید بداند و بفهمد که ما در این جنگ سرنوشت ساز، تا آخرین نفس ایستاده ایم.

قسمت ماجرا باشد؛ چرا که هدف آن صرفاً پاسخ دادن به یک اقدام نیست، بلکه تغییر محاسبه کشورهایی است که ممکن است وسوسه شوند به پروژه محاصره آمریکا بپیوندند. در واقع، آمریکا تلاش دارد هزینه فشار علیه ایران را میان دیگر کشورها تقسیم کند. واشنگتن اگر بتواند کشورهای منطقه یا شرکای اقتصادی ایران را به اجرای محدودیت‌ها وادار کند، بدون آنکه خود مستقیماً تمام هزینه‌های این فشار را بپردازد، می‌تواند حلقه محاصره را تنگ‌تر کند. پاسخ ایران دقیقاً در نقطه مقابل این طراحی قرار دارد: اگر کشوری در محاصره اقتصادی ایران شریک شود، هزینه این مشارکت هم باید متوجه منافع همان کشور شود. به این ترتیب، محاصره از یک فشار یک‌طرفه به معادله‌ای تبدیل می‌شود که هر بازگیری پیش از ورود به آن، باید هزینه و فایده تصمیم خود را محاسبه کند. نکته مهم‌تر اما در سطحی بالاتر قرار دارد. بازگشت آمریکا به ابزار تحریم و فشار اقتصادی، صرفاً یک تصمیم اقتصادی نیست؛ این اقدام را می‌توان از منظر سیاسی و راهبردی، اعتراضی به ناکامی در رسیدن به اهداف نظامی دانست. اگر واشنگتن در میدان نظامی به اهداف مورد نظر خود دست یافته بود و می‌توانست ایران را با اتکا

اقتصادی علیه ایران. آنچه اهمیت دارد، این است که تهران نشان دهد هیچ محاصره‌ای صرفاً با اعلام واشنگتن به یک واقعیت عملی تبدیل نمی‌شود.

در این میان، هشدار ایران به کشورهای دیگر هم بخش مهمی از این راهبرد است. پیام تهران روشن است؛ کشورهایی که قصد دارند در پروژه فشار اقتصادی آمریکا مشارکت نکنند، می‌توانند روابط خود را با ایران ادامه دهند؛ اما اگر دولتی آگاهانه وارد طرح محدودسازی اقتصادی ایران شود، دیگر نمی‌تواند خود را صرفاً یک بازیگر بی‌طرف بداند. البته، همان‌طور که در سخنان دبیر شورای عالی امنیت ملی تأکید شده، مرحله نخست، مذاکره و هشدار است؛ یعنی ایران ابتدا تلاش می‌کند به کشورها توضیح دهد که همراهی با آمریکا، آنها را وارد یک تقابل پرهزینه خواهد کرد و بهتر است صف خود را از واشنگتن جدا کنند.

اما اگر این هشدار نادیده گرفته شود، معادله تغییر خواهد کرد. ایران اعلام کرده است که در برابر کشوری که در ایجاد محدودیت اقتصادی علیه ایران مشارکت کند، مقابله به مثل خواهد کرد و منافع آن کشور را هدف قرار خواهد داد. این بخش از راهبرد ایران شاید مهم‌ترین

بخش محاصره دریایی ایران، برخلاف تصویری که ممکن است برخی در واشنگتن تلاش کنند از آن ارائه دهند، موضوعی نیست که از امروز آغاز شده باشد. ایران ماه‌هاست با محدودیت‌های دریایی، فشارهای اقتصادی و تلاش برای مختل کردن مسیرهای صادراتی خود مواجه است؛ اما آنچه در عمل اتفاق افتاده، با آنچه طراحان این فشار انتظار داشتند فاصله زیادی دارد. ایران نفت خود را فروخته، مسیرهای صادراتی خود را حفظ کرده و حتی در مقطعی توانسته حدود ۷۰ میلیون بشکه نفت را در چند روز صادر کند. این یعنی محاصره، دست‌کم تاکنون، نتوانسته مهم‌ترین هدف خود، یعنی متوقف کردن جریان اقتصادی ایران را محقق کند.

مواضع اخیر سر لشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی، را باید از همین زاویه خواند. پیام تهران این است که ایران قرار نیست منتظر بماند تا آمریکا حلقه محاصره را تنگ‌تر کند و بعد درباره واکنش خود تصمیم بگیرد. نقشه ایران، شکستن محاصره در میدان اقتصادی است؛ حفظ صادرات نفت، استفاده از مسیرها و ظرفیت‌های موجود، فعال نگه داشتن شرکای تجاری و جلوگیری از تبدیل شدن فشار آمریکا به یک اجماع

#اعتراف «آتلانتیک» به تغییر موازنه قدرت در منطقه

ایران، قدرتِ مسلطِ جدید

«قدرت مسلط در خاورمیانه از این پس نه ایالات متحده یا اسرائیل، بلکه ایران خواهد بود.» رابرت کیگان، تحلیلگر برجسته سیاست خارجی آمریکا، نویسنده و عضو ارشد مؤسسه بروکینگز و نویسنده آتلانتیک، در تازه‌ترین تحلیل خود در این نشریه، با این گزاره صریح، از تغییر بنیادین موازنه قدرت در منطقه سخن گفته است.

کیگان معتقد است ایران پس از رویارویی مستقیم با آمریکا و رژیم صهیونیستی و تحمل حملات گسترده با پیشرفته‌ترین تسلیحات آن‌ها، نه تنها از جنگ موفق بیرون آمده، بلکه توانسته ساختار قدرت غرب آسیا و خلیج فارس را دگرگون کند. به نوشته او، کشورهای همسایه اکنون در حال تطبیق خود با این واقعیت جدید هستند و قدرت‌های داورتر نیز ناگزیر همین مسیر را طی خواهند کرد.

این تحلیلگر آمریکایی تأکید می‌کند این تصور که ایران پس از مقاومت در برابر حملات نظامی و تحریم‌ها، سرانجام تنها در برابر تحریم‌ها تسلیم خواهد شد، «خیالی باطل» است. او تأکید دارد رهبر انقلاب، پس از جنگ، ساختار امنیت ملی ایران را متحول کرده است.

کیگان همچنین آسیب‌پذیری متحدان آمریکا در خلیج فارس و کنترل تنگه هرمز را مهم‌ترین اهرم‌های جدید قدرت ایران می‌داند؛ اهرم‌هایی که به باور او می‌توانند رفتار کشورهای منطقه و حتی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در تعامل با ایران را تغییر دهند.

قاب

بازدید رئیس ستاد کل نیروهای مسلح از تأسیسات زیرزمینی تولید موشک

همزمان با روز صنعت دفاعی، سر لشکر علی عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و سردار سیدمجید ابن الرضا، سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، برای نخستین بار به صورت سرزده از یکی از ده‌ها خط تولید زیرزمینی صنایع دفاعی کشور بازدید کردند؛ مجموعه‌ای که بخش مهمی از آنچه امروز در میدان دیده می‌شود، در همین خطوط زیرزمینی تولید و آماده می‌شود.



جنگ منطقه‌ای

ترامپ و تکرار سرنوشت جیمی کارتر

جنگ ایران برای دونالد ترامپ فقط یک بحران خارجی نیست. این جنگ به مسئله‌ای تعیین‌کننده در سیاست داخلی آمریکا تبدیل شده است. هرچه جنگ طولانی‌تر شود، هزینه سیاسی آن برای رئیس‌جمهوری که به پیروزی سریع و ثبات وعده داده بود، افزایش می‌یابد. روزنامه گاردین در تحلیلی، وضعیت ترامپ را پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر با مخمصه جیمی کارتر در جریان بحران گروگان‌گیری ایران مقایسه کرده است؛ بحرانی که به شکست کارتر در انتخابات منجر شد. بر اساس این گزارش، تهران مصمم است هزینه سیاسی آغاز جنگ را به ترامپ تحمیل کند و اجازه ندهد انتخابات میان‌دوره‌ای برای او به فرصتی آسان تبدیل شود. ولی نصر، تحلیلگر دانشگاه جانز هاپکینز، می‌گوید ایران قصد دارد نشان دهد که «در این جنگ رأی دارد» و قرار نیست مسیر انتخاباتی ترامپ را هموار کند. گاردین همچنین از تغییرات اخیر در ساختار امنیتی ایران و اتخاذ رویکردی تهاجمی تر سخن گفته و هم‌زمان نسبت به پیامدهای اقتصادی افزایش قیمت سوخت و تشدید فشارهای تورمی هشدار داده است. گاردین تأکید دارد شباهت اصلی ترامپ و کارتر در دشواری تغییر مسیر است. اما نقطه حساس برای ترامپ، تبدیل جنگ خارجی به مسئله‌ای انتخاباتی است. اگر جنگ شکست‌خورده علیه ایران طولانی تر شود و هزینه‌های اقتصادی و امنیتی آن افزایش یابد، همان چیزی که قرار بود نماد قدرت ترامپ باشد، به پاشنه آشیل سیاسی او در انتخابات میان‌دوره‌ای تبدیل می‌شود.